

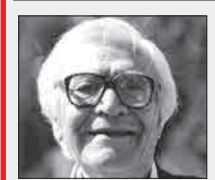


## حقیقتا کشور بازسازی شد

من فراموش نمی‌کنم، روزهای بعد از جنگ در آن جلسه‌ای که به دستور امام تشکیل شد، چند نفری برای طرح خطوط اصلی بازسازی کشور نشستیم؛ به نظر خودمان آرزوهای بزرگی را در آن نوشته‌ها آوردیم، بحث کردیم و تصور نمودیم، که‌ان شاه‌الله در طول چندین سال انجام گیرد، آنچه در این هشت سال ریاست جمهوری شما اتفاق افتاده، از آنچه که آن روز ما آرزو داشتیم، بیشتر است و حقیقتا کشور بازسازی شد.

۱۳۷۶/۰۵/۰۹ - بخشی از بیانات رهبر معظم انقلاب در آخرین دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیات دولت ششم

### ماندگاران



**درگذشت پدرتر جمه ایران**  
محمد قاضی بر جسته ایرانی و مترجم آثاری چون دن کیشوت و زوربای یونانی و شاهزده کوچولو به زبان فارسی است.  
۱۸ فروردین



**خدا حافظ مازیار**  
مازیار با نام اصلی عبدالرضا کیانی نژاد خواننده موسیقی پاپ ایرانی بود. او در سال ۱۳۷۶ بر اثر سکته قلبی و مغزی درگذشت.  
۲۶ فروردین

## حمله به حسینیه آیت الله

در پی اظهارات آیت‌الله منتظری در سخنرانی ۱۳ رجب که به برداشت گروهی، ساختار شکنانه بود به حسینیه و منزل مسکونی و دفتر وی حمله شد. این سخنرانی بازتاب‌های گسترده‌ای پیدا کرد که متعاقب آن شورای عالی امنیت ملی «حصر آقای منتظری» را به تصویب رساند.

۲۸ آبان

## پالایشگاه نفت بندرعباس افتتاح شد

پالایشگاه نفت بندرعباس به بهره‌برداری رسید. ظرفیت اسمی و ظرفیت عملیاتی این پالایشگاه ۳۲۰ هزار بشکه در روز است.

۲۰ بهمن

## «آژانس شیشه‌ای» روایت قصه حاج کاظم‌ها

آژانس شیشه‌ای فیلمی ایرانی به نویسندگی و کارگردانی ابراهیم خاتمی کیا و محصول سال ۱۳۷۶ و برنده سیمرغ بلورین بهترین فیلم در شانزدهمین دوره جشنواره فیلم فجر است. فیلم آژانس شیشه‌ای روایت رزمندگی با بازی پرویز پرستویی است که برای نجات جان همسرش، بعد از آنکه از طرف همه مسورد بی‌لطفی قرار می‌گیرد، مجبور به انجام یک گروگانگیری در یک آژانس مسافرتی می‌شود.

۵ آذر

## قزوین و گلستان هم به جمع استان‌های کشور اضافه شدند

### افتتاح خط تولید ذوالفقاردر

مجتمع صنعتی شهید کلاهدوز

۲۰ مرداد

زلزله قائن با هزار و پانصد کشته

## بیر چند لرزید

۲۰ اردیبهشت

محمدعلی جمال‌زاده درگذشت

## وداع با پدر داستان نویسی کوتاه

۱۷ آبان

# شهر و نند ۷



## اصلاحات جنبشی که فرو نشست! پدیده دوم خرداد

سعید اصغر زاده | انتخابات بی‌تکرار هفتمین دوره ریاست‌جمهوری ایران در دوم خرداد بزرگترین پدیده بعد از انقلاب در جهت مشارکت‌دهی مردم و ایجاد جامعه مدنی و آغاز فصل نوین و بی‌پارگشت اصلاحات بود. در این انتخابات که به پیروزی غیرمنتظره محمد خاتمی انجامید، حدود ۸۰ درصد از واجدین شرایط در انتخابات شرکت کردند. خاتمی در مناظره تلویزیونی در پاسخ به سوال امکان رابطه ایران و آمریکا گفت: «رابطه با این کشور منوط به سه شرط «عزت»، «مصلحت و «حکمت» است.» روش تبلیغاتی محمد خاتمی که به‌طور عجیبی روی مردم اثر مثبت داشت، سفر یا اتوبوس و سخنرانی در کنار دانشجویان و رأی اولی‌ها بود که با استقبال وسیع مردم مواجه شد. محمد خاتمی با روش مردمی کمک کرد تا شکاف بین دولت و جامعه کمتر شود و رفته‌رفته به عامه مردم بفهماند که بر سر نوشت خود تسلط دارند. انتخاب خاتمی در دوم خرداد سال ۷۶ دوره جدیدی در سیاست ایران بود و جنبشی که

### نیم‌نگاه

با حضور رهبر معظم انقلاب، رئیس‌جمهوری و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام تشییع شدند

## ۱۲۰۰ شهید دوران مقدس

۱۳ مهر

با وجود تحریم‌های آمریکا يك قرارداد ۲ میلیارد دلاری بین ایران و توتال فرانسه امضا شد

## توتال در ایران

۸ مهر

برگزاری هشتمین کنفرانس سران کشورهای اسلامی در تهران

۱۸ آذر

واژگونی اتوبوس حامل دانشجویان ریاضی، ۹ کشته و ۲۱ مجروح بر جای گذاشت

## نخبه‌کشی

مریم میرزاخانی بازمانده این حادثه بود.

۲۶ اسفند

### باز نشر یک «گزارش»

باز خوانی پرونده غلامرضا خوشرو و کوران کردیه معروف به خفاش شب

## خفاش شب‌های تهران

پرونده «غلامرضا خوشرو»، یکی از مهمترین پرونده‌های جنایی تاریخ پلیس ایران است. در میان پرونده‌هایی مثل «صفر قاتل» و «سعید حنایی» و حتی «قتل کودکان در پاکدشت» این پرونده شاید بتواند عنوان «مشهورترین» را به دست بیاورد، چون علاوه بر پوشش خبری گسترده از سوی روزنامه‌ها از ماجراهای مربوط به آن، صداوسیما هم در پوشش اخبار و دادگاه‌های خوشرو مشارکت داشت. روز یکشنبه، ۲۲ تیر ۱۳۷۶ نیز شبکه تهران گفت‌وگویی با خفاش شب انجام داد که از برنامه «در شهر» پخش شد. خفاش شب در این گفت‌وگو به نکات جالبی اشاره کرد. او درباره نخستین مقتولان خود گفت: «اولی را ساعت نهم‌ونیم یا ده شب سوار کردم و به سمت پایین حرکت کردم. نرسیده به استادیوم به داخل فرعی پیچیدم. او که متوجه قضیه شده بود، در داخل ماشین با من

### نگاه‌سال

## ماجرای واقعه رستوران میکنونوس چه بود؟

در ۱۷ سپتامبر سال ۱۹۹۲ ساعت ۱۱ شب دو مرد مسلح که ماسک بر چهره داشتند وارد یک رستوران یونانی به نام میکنونوس در منطقه ویلمرسدورف برلین شدند و ۴ مرد از جمله صادق شرف‌کنندی دبیرکل تبعیدی حزب دموکرات کردستان ایران - حزب سیاسی که در ایران رسماً منحل شده و علیه حکومت اعلام مبارزه مسلحانه کرده - را به قتل رساندند. پس از گذشت ۳ سال و نیم از واقعه رستوران میکنونوس رأی دادگاه آلمانی علیه ایران صادر شد و موجی از خشم را در ایران دامن زد. بر اساس حکم صادره دادگاه آلمانی برلین، ۳ تبعه لبنانی و یک تبعه ایرانی به حبس ابد و زندان محکوم شدند. کاظم دارابی، تبعه ایرانی که به حبس ابد محکوم شده بود پس از ۱۵ سال حبس در سال ۸۶ به ایران برگشت. دارابی در خصوص ادعای دادگاه میکنونوس گفت: «به‌مسئله تهمت زدند که عضو وزارت اطلاعات هستم و دلیلی که برای این ادعا داشتند این بود که این خبر را از عوامل اطلاعات انگلیس دریافت کرده‌اند، اما وقتی از عوامل اطلاعاتی انگلیس خواسته شد در دادگاه حضور یابند و در این باره شهادت بدهند، حاضر به این کار نشدند.»

### عکس‌نوشت

وقتی تماشاچیان مشغول تماشای نخستین سانس فیلم کم‌دی تعطیلات تابستانی در سینما شهر فرنگ بودند، آتش به سرعت در میان تجهیزات پلاستیکی می‌پودودو غلغلظ آن، منجر به گریز تماشاچیان می‌شود. شیشه‌ها بر اثر حرارت بر سر مردم خرد شده و در کمتر از ۲۰ دقیقه و بسا وجود تلاش آتش‌نشانان، آتش آن چاره‌تلی از خاکستر بدل می‌کند.

### عکس‌نوشت

دانشگاه تهران در سال ۷۶ به پاس زحمات در عرصه دفاع و سازندگی، دکترای افتخاری به هاشمی‌فرسنجانی اهدا کرد. محمدرضا عارف در این دوره ریاست دانشگاه تهران را بر عهده داشت. دانشگاه تهران به مناسبت درگذشت آیت‌الله هاشمی‌فرسنجانی تصاویری از اعطای دکترای افتخاری به وی در سال ۱۳۷۶ رامنشر کرده.

### عکس‌نوشت

امیر صادقی پناه | فقط فوتبال می‌توانست فضای بسته جامعه در اواخر دهه ۷۰ را تلطیف کند؛ در آن سال‌ها بعد از آن که تیم ملی فوتبال نتوانست با بدشانسی عنوان قهرمانی جام ملت‌های آسیا ۱۹۹۶ را از آن خود کند، همه انتظار صعود به جام جهانی با آن نسل طلایی را می‌کشیدند. اما دور مقاماتی که انگار برای ما کابوس شده بود، باز هم داشت رویاهایمان را بر باد می‌داد، کار به جایی رسید که تقریباً همه ناامید شویم؛ برای صعود باید از میدان سخت ملبورن دست پر بیرون می‌آمدیم، این یعنی تحقق یک آرزوی تقریباً محال؛ یعنی انتظار برای رخ دادن معجزه و قمار روی سخت‌ترین بازی زندگی.

۲-۳ آذر ۱۳۷۶ همه‌مان خاطره داریم؛ این که کجا بودیم و چطور بزرگترین جشن فوتبالی زندگی‌مان را گرفتیم. برای من که در آن سال تحصیلی یک هفته بعد از ظهر و یک هفته صبح به مدرسه می‌رفتم، تقارن ایران - استرالیا با ساعات حضور در مدرسه بدترین اتفاق ممکن بود؛ چیزی شبیه به نحسی تمام ۲۰ سال قبل از ۹۸ که آرزوی حضور در جام جهانی را داشتیم. آن روز با هزار التماس آقای شتابی (ناظم مدرسه) را مجاب کردیم تا تلویزیون ۱۲ اینچ سیاه و سفید داخل دفتر مدرسه را پشت شیشه بکنند تا از داخل حیاط و از پشت میله‌های آهنی جلوی پنجره بتوانیم تماشاگر مسابقات باشیم که تقریباً از نتیجه‌اش ناامید بودیم. یک اجتماع ۱۵۰،۱۰۰ نفری جلوی یک پنجره دو در دو متر و خیره به تلویزیونی که بر فک‌هایش توی ذوق می‌زد. هیچ‌کس اما پابرجا شد، وقتی خداداد گل را زد، دیگر نه کلاسی مهم بود و نه درسی؛ کلا زنگ تفریح بود و حیاط مدرسه جایی برای اجرای حرکات موزون. سوت که خورد در حال خودمان نبودیم که در مدرسه باز شده بود؛ نه زنگ آخر خورده بود و نه چیز دیگری. دری که هر روز با دو قفل آهنی برنجی جفت می‌شد، آن روز زودتر از موعد باز شد و به خودمان آمدیم که دیدیم داخل خیابان هستیم و به تماشای خودروهای نشستیم که روی برف‌پاک‌کن دستکش گذاشته‌اند - و صدای بوق‌شان خیابان‌ها را فرا گرفته است.

۳-۲۱ سال و چند ماه از بازی ایران - استرالیا می‌گذرد؛ آن بازی اما از ذهن هیچ‌کدام‌مان نمی‌رود؛ هنوز آن صعود تاریخی برای ما حماسه است و هنوز دیدن تصویر گل خداداد ته دل‌مان را می‌لرزاند. ۸ آذر ۷۶ برای هیچ‌کدام‌مان خاطره بدی به همراه ندارد. آن روز اگر برای من و هم‌دورس‌های‌هم‌دوره‌ها را گشود و به خیابان‌ها کشاند، در جامعه خیلی درها را باز کرد؛ آن بازی و آن حماسه خیلی از قبح‌ها را شکست. اولین صعود به جام جهانی بعد از انقلاب و اولین شادی عمومی در داخل خیابان‌ها به خاطر فوتبال بردی که به همه‌مان بفهماند فوتبال می‌تواند پرده‌ها را کنار بزند و جامعه را به سمت نشاط ببرد. بگذریم از این که نسل طلایی فوتبال ایران در آن سال‌ها نتوانست حضور در بزرگترین باشگاه‌های فوتبال دنیا را تجربه کند و نام ایران را در جهان سر زبان‌ها بیندازد. آن روز خیلی از قفل‌ها شکسته و خیلی از درها به روی مردم ایران باز شد.

### خاطرنگارها

## اولین صعود و درهایی که باز شد!

امیر صادقی پناه | فقط فوتبال می‌توانست فضای بسته جامعه در اواخر دهه ۷۰ را تلطیف کند؛ در آن سال‌ها بعد از آن که تیم ملی فوتبال نتوانست با بدشانسی عنوان قهرمانی جام ملت‌های آسیا ۱۹۹۶ را از آن خود کند، همه انتظار صعود به جام جهانی با آن نسل طلایی را می‌کشیدند. اما دور مقاماتی که انگار برای ما کابوس شده بود، باز هم داشت رویاهایمان را بر باد می‌داد، کار به جایی رسید که تقریباً همه ناامید شویم؛ برای صعود باید از میدان سخت ملبورن دست پر بیرون می‌آمدیم، این یعنی تحقق یک آرزوی تقریباً محال؛ یعنی انتظار برای رخ دادن معجزه و قمار روی سخت‌ترین بازی زندگی.

۲-۳ آذر ۱۳۷۶ همه‌مان خاطره داریم؛ این که کجا بودیم و چطور بزرگترین جشن فوتبالی زندگی‌مان را گرفتیم. برای من که در آن سال تحصیلی یک هفته بعد از ظهر و یک هفته صبح به مدرسه می‌رفتم، تقارن ایران - استرالیا با ساعات حضور در مدرسه بدترین اتفاق ممکن بود؛ چیزی شبیه به نحسی تمام ۲۰ سال قبل از ۹۸ که آرزوی حضور در جام جهانی را داشتیم. آن روز با هزار التماس آقای شتابی (ناظم مدرسه) را مجاب کردیم تا تلویزیون ۱۲ اینچ سیاه و سفید داخل دفتر مدرسه را پشت شیشه بکنند تا از داخل حیاط و از پشت میله‌های آهنی جلوی پنجره بتوانیم تماشاگر مسابقات باشیم که تقریباً از نتیجه‌اش ناامید بودیم. یک اجتماع ۱۵۰،۱۰۰ نفری جلوی یک پنجره دو در دو متر و خیره به تلویزیونی که بر فک‌هایش توی ذوق می‌زد. هیچ‌کس اما پابرجا شد، وقتی خداداد گل را زد، دیگر نه کلاسی مهم بود و نه درسی؛ کلا زنگ تفریح بود و حیاط مدرسه جایی برای اجرای حرکات موزون. سوت که خورد در حال خودمان نبودیم که در مدرسه باز شده بود؛ نه زنگ آخر خورده بود و نه چیز دیگری. دری که هر روز با دو قفل آهنی برنجی جفت می‌شد، آن روز زودتر از موعد باز شد و به خودمان آمدیم که دیدیم داخل خیابان هستیم و به تماشای خودروهای نشستیم که روی برف‌پاک‌کن دستکش گذاشته‌اند - و صدای بوق‌شان خیابان‌ها را فرا گرفته است.

۳-۲۱ سال و چند ماه از بازی ایران - استرالیا می‌گذرد؛ آن بازی اما از ذهن هیچ‌کدام‌مان نمی‌رود؛ هنوز آن صعود تاریخی برای ما حماسه است و هنوز دیدن تصویر گل خداداد ته دل‌مان را می‌لرزاند. ۸ آذر ۷۶ برای هیچ‌کدام‌مان خاطره بدی به همراه ندارد. آن روز اگر برای من و هم‌دورس‌های‌هم‌دوره‌ها را گشود و به خیابان‌ها کشاند، در جامعه خیلی درها را باز کرد؛ آن بازی و آن حماسه خیلی از قبح‌ها را شکست. اولین صعود به جام جهانی بعد از انقلاب و اولین شادی عمومی در داخل خیابان‌ها به خاطر فوتبال بردی که به همه‌مان بفهماند فوتبال می‌تواند پرده‌ها را کنار بزند و جامعه را به سمت نشاط ببرد. بگذریم از این که نسل طلایی فوتبال ایران در آن سال‌ها نتوانست حضور در بزرگترین باشگاه‌های فوتبال دنیا را تجربه کند و نام ایران را در جهان سر زبان‌ها بیندازد. آن روز خیلی از قفل‌ها شکسته و خیلی از درها به روی مردم ایران باز شد.